



۱ «تلك ظواهرٌ عجيبةٌ تحدثُ في بعض نقاط الأرض و قد حاول العلماء أن يُدركوا أسرارها محاولةً»:

- ۱ آنها پدیده‌های شگفت‌انگیزی هستند که در برخی نقاط زمین رخ می‌دهند و دانشمندان واقعاً تلاش کرده‌اند که به اسرار آنها پی ببرند!
- ۲ آنها پدیده‌هایی هستند شگفت‌انگیز که در بعضی جاها در زمین اتفاق می‌افتد و دانشمندان بسیار می‌کوشند اسرارش را بفهمند!
- ۳ آن پدیده‌های عجیب در بعضی منطقه‌های زمین به وجود می‌آید و علما حقیقتاً کوشیده‌اند تا اسرار آن را درک کنند!
- ۴ آن پدیده‌های شگفت‌انگیزی که در برخی مناطق زمین ایجاد می‌شود علما سعی کرده‌اند اسرارش را دریابند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲ عَيْنِ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ۱ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهَدَ كِسْرَى فَلَاحًا عَجُوزًا يَغْرِسُ فَسِيلَةً جَوْزًا!
- ۲ بِمِ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ!
- ۳ أَحَدٌ يُنَادِي أَصْحَابَهُ وَ لَكُنْهُمْ طَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ!
- ۴ سَتُشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةٍ فِي الْبَيْتَةِ مُشَاهِدَةً مُؤَلِمَةً!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۳ «ماهها بعد کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه در معرض خورده شدن و تلف گشتن قرار می‌گیرد.» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ بعد شهر شاهد المزارع أَنَّ الخضراوات بالمزرعة تتعرض للأكل و التلف!
- ۲ بعد أشهر رأى الفلاح أَنَّ خضراوات المزرعة تتعرض للأكل و الإتلاف!
- ۳ بعد كم شهر شاهد الفلاح أَنَّ الخضراوات و هي في المزرعة قد أكلت و تلفت!
- ۴ بعد بضعة أشهر رأى المزارع في داخل المزرعة أَنَّ الخضراوات قد أكلت و تلفت!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ عندما كنتُ أبكي لوداع صديقي كانت دموعي كأنها تُحَدِّثُه: وقتی برای خداحافظی از دوستم گریه می‌کردم، گویی اشک‌هایم با او حرف می‌زدند!
- ۲ قد خُلِقَ الْإِنْسَانُ حُرًّا لَكِنَّهُ دَائِمًا أَسِيرٌ عَادَاتٍ خَلَقَهَا نَفْسُهُ: انسان را آزاد خلق کرده‌اند ولی او همیشه مجذوب و اسیر عادت‌هایی است که خود خلق می‌کند!
- ۳ هذا اللسانُ الصغيرُ قد يَقْتُلُ شخصاً طوله مترٌ و ثمانون سنتيمتراً: این زبانی کوچک است، ولی گاهی شخصی با قد یک متر و هشتاد سانتیمتر را می‌کشد!
- ۴ المرء الذي يرسم أهدافاً عاليةً لحياته يُشجِّعُ نفسه للأعمال الكثيرة تشجيعاً: انسانی که هدف‌های عالی برای زندگی ترسیم می‌کند خود را برای کارهای زیاد تشویق می‌نماید!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



«علینا أن نتعلّم أنّ نشاطاتنا اليومية لا تكون بشكل یؤدّي إلى الاختلال في توازن الطّبیعة!» عین الصّحیح للترجمة:

- ۱) بر ماست که بیاموزیم انرژی‌های روزانه ما به شکلی نباشد که تعادل طبیعت را مختل کند!
- ۲) باید یاد بگیریم که نشاط و کارهایمان در روز به شکلی نباشد که به اختلال در نظام طبیعت بینجامد!
- ۳) ما باید یاد بگیریم که فعالیت‌های روزانه‌مان به گونه‌ای نباشد که منجر به اختلال در تعادل طبیعت گردد!
- ۴) یاد دادن این امر بر ما واجب است که در روز انرژی‌مان آنگونه نباشد که در توازن طبیعت اختلال ایجاد کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عین الخطأ عن توضیح المفردات التالية:

- ۱) الخِدَاع: ما یُخالف الصّدق!
- ۲) الضمّت: أقوى الكلام أمام الجاهل!
- ۳) البُکماء: من لا تقدّر أن تسمع الأصوات!
- ۴) العِلْم: خیر الدّواء لداء أصحاب الخرافة!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عین الصّحیح:

- ۱) إن رأيت أنّ كلّ أصدقاك يتحرّكون في جهة تُخالف طريقك: اگر دیدی که همه دوستانت در جهتی که با راه تو مخالف است حرکت می‌کنند،
- ۲) و هو طریق إنّک اخترته بعد تفکّر و دقّة و تُؤمن به إيماناً: حال آنکه راهی که تو با فکر و دقّت انتخاب کرده‌ای و بشدّت به آن ایمان داری،
- ۳) فلا تتردّد فيه أبداً و إن كنت وحيداً، و استمرّ فيه بجّد: پس هرگز در آن اندیشه، تردید به خود راه مده، حتّی اگر تنها بودی، و با جدّیت آن را ادامه بده،
- ۴) فقد تكون الوحدة خيراً من العيشة لإرضاء الآخرين: قطعاً تنهایی برای تو بهتر از زندگی کردن برای کسب رضایت دیگران است!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- ۱) يتبع الحيوان المفترس هذه الفريسة و يبتعد عن العشّ ابتعاداً كثيراً.
- ۲) حاول الرجل الكثير المعاصي أن يصلح نفسه، فلم يستطع في البداية.
- ۳) التمساح عندما يأكل فريسة أكبر من فيه، تفرّز عيونه سائلاً كأنه دموع.
- ۴) إنّ إيران من الدّول الجميلة في العالم و المشهورة بالكثير من المناطق الخلابة.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عین الترجمة الصحيحة:

«نستهلك الأسمدة الكيماوية بكثرة و نحن نعلم أنّ استخدامها الكثير یؤدّي إلى الاختلال في نظام الطّبیعة»:

- ۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم حال آن‌که می‌فهمیم که کاربرد زیادشان اختلالی در نظام طبیعت به وجود می‌آورد!
- ۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می‌کنیم در حالی‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می‌شود!
- ۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می‌کنیم با این‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت به وجود می‌آورد!
- ۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم با وجود این‌که فهمیده‌ایم که زیاد به کار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می‌شود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«بَعْضُ الطَّيُورِ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْخَطَرِ حَوْلَهَا تَلْجَأُ إِلَى الْحَيْلِ الَّتِي تُنْقِذُ حَيَاتَهَا مِنَ الْمَوْتِ» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) عده‌ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره‌ای می‌اندیشند که زندگی‌شان را از مرگ نجات دهد.
- ۲) زمانی که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد.
- ۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره‌اندیشی می‌کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند.
- ۴) برخی پرندگان هنگامی که در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره‌اندیشی‌هایی که زندگی آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد، متوسل می‌شوند.

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«إِنْ يَبْخُلُ أَحَدٌ فِي تَعْلِيمِ عِلْمِهِ إِلَيْكَ فَلَا يَحْزَنُكَ حَزَنًا، لِأَنَّهُ يَضُرُّ نَفْسَهُ ضَرَرًا أَشَدَّ مِنْ ضَرَرِكَ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل ورزید پس نباید که ناراحتت کند، زیرا مسلماً زیانی که به خودش می‌زند از زیان تو بیش‌تر است!
- ۲) کسی اگر در آموختن علمش به تو بخیل شد پس نباید غمگین شوی، زیرا ضرری را که به خود می‌زند قطعاً بیش‌تر از تو است!
- ۳) کسی چنان‌چه در آموختن علمش به تو بخیل باشد اصلاً نباید غمگین بشوی، زیرا مسلماً ضرری بیش‌تر از ضرر تو به خود می‌زند!
- ۴) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل بورزد قطعاً نباید تو را ناراحت کند، زیرا او ضرری بیش‌تر از ضرر تو به خودش می‌زند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«لَا فَرْقَ بَيْنَ الْقَطِّ الْأَسْوَدِ وَالْقَطِّ الْأَبْيَضِ، الْقَطُّ يَجِبُ أَنْ يَقْدَرَ أَنْ يَصِيدَ الْفَارَّ صَيْدًا لِيُشْبِعَ بَطْنَهُ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) هیچ فرقی بین گربه‌ی سیاه و گربه‌ی سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- ۲) فرقی بین گربه‌ی سفید و گربه‌ی سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!
- ۳) اصلاً فرقی بین گربه‌ای که سیاه باشد و گربه‌ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد، موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- ۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«لَيْسَ هُنَاكَ عَظْمٌ فِي اللِّسَانِ وَلَكِنَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتِطَاعَةً، فَلْنُرَاقِبْ كَلَامَنَا!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنان باشیم!
- ۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- ۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- ۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«النَّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ تُهَدِّدُ بِلَادَنَا بَتَلَوُّثِ الْبَيْئَةِ وَ تُضَيِّعُ التَّوَازِنَ فِي طَبِيعَتِهَا، فَمَا أَظْلَمَ الْإِنْسَانَ بِنَفْسِهِ!» عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ پسماندهای صنایع کشورمان را به آلوده شدن محیط زیستش تهدید کرده توازن را در طبیعت از بین می‌برد، پس انسان بسیار ظالم بر خود است!
- ۲ زباله‌های صنعتی کشور ما را به آلودگی محیط زیست تهدید می‌کند و توازن را در طبیعت آن از بین می‌برد، پس چه ظالم است انسان به خودش!
- ۳ زباله‌های ناشی از صنعت محیط زیست ما را در کشور تهدید به آلودگی می‌کند و توازن موجود در طبیعت را از بین خواهد برد، پس انسان بسیار ظلم کرده است!
- ۴ پسماندهای مربوط به صنعت محیط زیست کشورمان را تهدید به آلوده کردن می‌کند و توازن آن را در طبیعتش از بین خواهد برد، پس انسان چه قدر ظلم می‌کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«لَعَلَّ مَرَحَلَةً مِنْ مَرَاكِلِ الْبَخْلِ هِيَ أَنْ تَعُدَّ مَا تُنْفِقُهُ خَسَارَةً وَ لَا تَرْضَى بِهِ رِضَايَةً فِي نَفْسِكَ!» عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود چیزی که انفاق می‌شود و در درونت به آن راضی نشوی!
- ۲ شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آن چه انفاق شود خسارت شمرده شود و در باطن به آن کاملاً راضی نباشی!
- ۳ شاید مرحله‌ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انفاقش کرده‌ای و در باطن به آن رضایت نداده‌ای!
- ۴ شاید مرحله‌ای از مراحل بخل آن باشد که آن چه را انفاق می‌کنی خسارت به شمار آوری و در درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عَيْنِ مَا فِيهِ تَأَكِيدُ لِلْفِعْلِ:

- ۱ لَا غَايَةَ هُنَاكَ إِلَّا أَنْ نَحْصِلَ عَلَيْهَا حَصُولًا كَامِلًا بِالشَّوْقِ وَ الرِّغْبَةِ!
- ۲ يَجِبُ أَنْ نَعْمَلَ وَاجِبًا بِالرَّغْبَةِ لِلْوُصُولِ إِلَى الْهَدَفِ عَمَلِ الدَّوْبِينِ!
- ۳ أَرْغَبُ فِي أَقْوَى الْوَسَائِلِ الَّتِي أَوْصَلْتَنِي إِلَى النِّجَاحِ رَغْبَةً كَثِيرَةً!
- ۴ الرِّغْبَةُ فِي الْعَمَلِ تَحْتَاجُ إِلَى نَفْسٍ قَوِيَّةٍ احْتِيَاجًا فَعَلِيكَ بِهَا!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«كَانَ طَالِبٌ مُؤَدَّبٌ فِي الصَّفِّ، يَسْتَمِعُ الطَّالِبُ قَبْلَ أَنْ يُجِيبَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ إِسْتِمَاعًا!» عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ آن دانش‌آموز مؤدب که در کلاس است، قبل از پاسخ دادن به سؤالات، به دقت گوش می‌دهد!
- ۲ آن دانش‌آموز مؤدب که در کلاس حضور دارد، قبل از جواب دادن به سؤال‌ها به خوبی گوش می‌دهد!
- ۳ دانش‌آموز مؤدب در کلاس بود، این دانش‌آموز قبل از آن که به سؤالات جواب دهد حتماً گوش می‌داد!
- ۴ دانش‌آموز مؤدب در کلاس داشت، این دانش‌آموز قبل از این که به سؤال‌ها پاسخ دهد گوش می‌داد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

متن زیر را بخوانید و به ۹ سؤال بعدی پاسخ دهید.

في إحدى المحطات كان «غاندي» يركض\* مُسرِعاً مع سائر الركاب نحو القطار حتى يلحق به. بدأ القطار بالتحرك، مما سبب أن يجري غاندي مُسرِعاً إلى أن قُرب من اللّحاق به، فقفز قفزاً تمكن فيها من الصعود إلى القطار! عندئذٍ ابتسم غاندي لأنّه رأى أنّ تلك القفزة سببت سقوط أحدِ جِذائيه\*\* خارج القطار دون أن يشعر به. فلم يتأمل كثيراً و خلع حذاءه الثاني و رماه بسرعة ليستقر قريباً من الأوّل! فتعجّب الركاب من فعله هذا، و سألوه عن سبب عمله، فقال المهاتما غاندي: لَنْ أَسْتَطِيع العودة لإحضار ما سقط مِنّي، كما لا يُمكن لي أن أَسْتفِيد من الثاني إذا ما بقي معي، فرميته قريباً من يجدهما فينتفع بهما معاً!

\* يركض: يمشي بسرعة

\*\* جِذاء: نعل، ما يلبس الإنسان في رجله

۱۸) متى قام غاندي بالقفز نحو القطار؟ عيّن الصحيح:

- ۱) حين وصل إليه بعد ساعة!
- ۲) عندما اقترب منه!
- ۳) حينما بدأ يجري مُسرِعاً نحوه!
- ۴) قبل أن يتحرك القطار!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۹) متى و إلى اين رمى حذاءه الثاني؟ عيّن الصحيح:

- ۱) رماه إلى خارج القطار لما قفز نحوه!
- ۲) بعد أن فكر كثيراً، رماه قريباً من الأوّل!
- ۳) بمجرد أن استقرّ، رماه إلى خارج القطار!
- ۴) بمجرد أن بدأ القطار بالتحرك رماه نحو الحذاء الأوّل!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲۰) عيّن الخطأ:

- ۱) إنّ غاندي ما كان يركض قبل الوصول إلى محطة القطار!
- ۲) لم يصل في الموعد المقرّر فلم يقدر أن يركب الآخرين!
- ۳) لم يستطع غاندي أن يركب القطار إلا بعد أن قفز فيه!
- ۴) رمى المهاتما حذاءيه بعد أن استقرّ في القطار!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲۱) صف لنا «غاندي» كما جاء في النص. عيّن الصحيح:

- ۱) لم يكن شيخاً!
- ۲) كان وحيداً في قضية التأخير!
- ۳) كان يسافر مع رفقاءه فكانوا يعرفونه!
- ۴) بعد دقائق من وصوله إلى المحطة رأى أنّ القطار قد تحرك!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۲۲) عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«ابتسم»:

- ۱) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب (= للغائب) - متعدّد - معلوم / فاعله «غاندي» و مرفوع
- ۲) فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب افتعال) / فعل و فاعله «غاندي» و الجملة فعلية
- ۳) مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان) ، و حروفه الأصلية «ت س م» - لازم / فعل و فاعله «غاندي»
- ۴) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (له حرف زائد واحد) - معلوم / فاعله «غاندي» و الجملة فعلية

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم / فعل و فاعله «الركاب»
- ۲ للمؤنث الغائب - حروفه الأصلية «ع ج ب» و له حرفان زائدان / فعل و فاعله «الركاب»
- ۳ فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - لازم - معلوم / فاعله «الركاب» و الجملة فعلية
- ۴ مزيد ثلاثي (حروفه الزائدة: ت، ج) - متعدّد - معلوم / فاعله «الركاب» و مرفوع، و الجملة فعلية

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ اسم - نكرة - مبني / مفعول مطلق نوعي لفعل «قفز» و منصوب
- ۲ مفرد مؤنث - مصدر (فعله «قفز» مجرد ثلاثي) - مبني / مفعول مطلق
- ۳ مفرد مؤنث - مصدر (من فعل مجزّ ثلاثي) - نكرة / مفعول مطلق للتأكيد
- ۴ اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب / مفعول مطلق لبيان النوع و منصوب

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«عندئذٍ ابتسم غائديّ لأنه رأى أنّ تلك القفزة سبّبت سقوط أحد حذائه!»:

- |   |                                  |   |                                   |
|---|----------------------------------|---|-----------------------------------|
| ۱ | إِبْتَسَمَ - رَأَى - الْقَفْزَةَ | ۲ | رَأَى - سَبَّيْتُ - سُقُوطَ       |
| ۳ | سُقُوطَ - أَحَدٍ - حِذَائِهِ     | ۴ | عِنْدَئِذٍ - إِبْتَسَمَ - سُقُوطَ |

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«لم يتأمل كثيراً و خلع حذاءه الثاني و أنقاه بسرعة ليستقرّ قريباً من الأول!»:

- |   |                              |   |                                 |   |                                     |   |                                    |
|---|------------------------------|---|---------------------------------|---|-------------------------------------|---|------------------------------------|
| ۱ | خَلَعَ - حِذَاءَ - الثَّانِي | ۲ | يَتَأَمَّلُ - كَثِيراً - خَلَعَ | ۳ | يَسْتَقَرُّ - قَرِيباً - الْأَوَّلِ | ۴ | الثَّانِي - أَلْقَاهُ - بِسُرْعَةٍ |
|---|------------------------------|---|---------------------------------|---|-------------------------------------|---|------------------------------------|

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«إن تحقّق التّوازن في الطّبيعة فسُتُشاهد الكائنات الحيّة الاستقرار فيها!» عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱ اگر توازن در طبیعت محقّق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- ۲ چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد موجودات زنده آرامش در آن می‌بینند!
- ۳ اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده، دیده خواهد شد!
- ۴ چنانچه توازن در طبیعت تحقّق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ الدِّينَامِيَّة: مادّة صَعَبَتْ أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ!
- ۲ الدَّوْوبُ: الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ فِي حَيَاتِهِ!
- ۳ تَلَوُّثُ الْهَوَاءِ: هُوَ مِنْ مَهْدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ الَّتِي تُوَدِّي إِلَى الْإِخْتِلَالِ!
- ۴ الْأُسْمَدَةُ: مَوَادٌّ كِيمَاوِيَّةٌ أَوْ طَبِيعِيَّةٌ لَتَقْوِيَةِ التُّرَابِ الضَّعِيفِ وَ نُمُوِّ النَبَاتَاتِ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُور فِي خَوْزِستان أَكْبَر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ!
- ۲) تُنَمَحُ هَذِهِ الْجَائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ!
- ۳) بَدَأَ الْفَلَّاحُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَرْعَةَ!
- ۴) سَمِعَ الدُّلَفَيْنِ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشَرَ مَرَّاتٍ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«إِنَّ فَيْتَامِينَ «د» هُوَ الْفَيْتَامِينَ الْوَحِيدَ الَّذِي تَشَكَّلَتِ الْأَشْعَةُ فَوْقَ الْبِنْفَسِجِيَّةِ فِي عِظَامِنَا وَ يَشَدُّ جِسْمَنَا شَدًّا!:

- ۱) ویتامین «د» تنها ویتامینی است که اشعه‌ی ماوراء بنفش آن را در استخوان‌های ما تشکیل می‌دهد و بدن ما را سخت محکم می‌کند!
- ۲) ویتامین «د» یک ویتامین است که اشعه‌ی فرا بنفش آن را در استخوان‌هایمان به وجود می‌آورد و جسم ما را به شدت مقاوم می‌کند!
- ۳) یگانه ویتامینی که اشعه‌ی ماوراء بنفش آن را در استخوان ما شکل می‌دهد، ویتامین «د» است، و بدن ما را مستحکم می‌کند!
- ۴) ویتامین «د» تنها ویتامینی است که اشعه‌ی مادون بنفش آن را برای محکم شدن استخوان‌ها و جسم ما تولید می‌کند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱) احترم الطَّفْلَ والديه لأنَّه واجب عليه حقًّا!
- ۲) نظرت المعلِّمة إلى واجبات تلميذاتها متأمِّلَةً!
- ۳) أكل الضُّيُوفُ كُلَّ الطَّعامِ ثُمَّ شربوا الشَّاي أَيْضاً!
- ۴) كان العلماء يتحمَّلون المشاكل في حياتهم تحمُّلاً كَثِيراً!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱) أعطى الملك الفلاح إعطاءً يُعْجِبُهُ!
- ۲) يُصَدِّقُ قَوْلُ الصَّادِقِ دَائِماً تصديقاً جَمِیلاً!
- ۳) تحضن الأمُّ طفلتها في حضنها محبَّةً لَهَا!
- ۴) غرس الفلاحُ فسيلةً جوز عَرساً لا يَأْمَلُ أَكْلَهُ!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱) إن تجلسوا في الصَّفِّ هادئين:، اگر آرام در کلاس بنشینید،
- ۲) و تستمعوا إلى كلامي إستماعاً: و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- ۳) سأقرأ لكم بعض الآيات:، بعضی آیات را برایتان می‌خوانم،
- ۴) لا تأخذون منها إلَّا العبرة المؤثِّرة:، که از آن‌ها عبرت‌های تأثیرگذار می‌گیرید!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی



«هذان النوعان من السمك كلُّ منهما يعيش عيشةً تُعجبنا!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ این دو نوع ماهی، هریک از آن‌ها به گونه‌ای زندگی می‌کند که ما را متعجب می‌کند!
- ۲ این دو نوع از ماهیان، با یکدیگر طوری زندگی می‌کنند که ما را به شگفتی وا می‌دارد!
- ۳ این‌ها، دو نوع از ماهیان هستند که هریک از آن‌ها زندگی‌ای می‌کند که تعجب ما را برمی‌انگیزد!
- ۴ اینان، دو نوع ماهی هستند که زندگی هریک از آن دو به گونه‌ایست که ما را به تحسین وا می‌دارد!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عیّن الترجمة الصحيحة: «أيتها المواطنون؛ اهتمّوا بنظافة بيئتكم إهتماماً بالغاً حتّى تقلّ مهدّداتها!» ای هموطنان؛

.....

- ۱ بیش‌تر به نظافت محیط زیست خود اهتمام ورزید تا این‌که تهدیداتش کم شود!
- ۲ به نظافت محیط زیست خود بسیار توجّه کنید تا تهدیدکنندگان آن کم شود!
- ۳ در تمیز کردن محیط زیست خویش بیش‌تر سعی کنید تا تهدیدات آن اندک شوند!
- ۴ برای تمیزی محیط زیست خویش سعی بسیار کنید تا تهدیدکننده‌های آن اندک شوند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

عیّن ما ییس فيه مفعول مطلق:

- ۱ إلزامُ مُعلّمنا بممارسة الدّروس ليلاً و نهاراً إلزام يُصيّنا بالتّعب ولكن علينا التّبعة!
- ۲ عندما أسافر إلى قريتنا أمشي بين أشجارها صباح كلّ يوم مشياً سريعاً في هوائها النّظيف!
- ۳ قد تُسخطني أعمالُ ابني إسخاطاً ولكنّي أغضّ عيني و أصبر عليه حتّى أرشده إلى طريق أحسن!
- ۴ أستغرق زمناً طويلاً في الماضي خائباً كأنّ أبواب الحياة أغلقت عليّ إغلاقاً، ولكنّ الأمل يفتح طريقاً إلى حياتي بغتة!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

عیّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- ۱ البلاد الإسلاميّة مجموعة من الشّعوب الكثيرة تختلف في لغاتها و ألوانها!
- ۲ تسقط أسنان سَمَك القرش دائماً و تنمو أسنان جديده مكانها!
- ۳ الخفاش هو الحيوان اللّبون الوحيد الذي يقدر على الطّيران!
- ۴ إن استمرّت الحالة هكذا، فسُتُشاهد مُشاكل جديده!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

متن زیر را بخوانید و به ۵ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«يُعدّ تلوث الهواء مشكلة كبرى في عالم اليوم، و الكثير من النّاس في مختلف أنحاء العالم يتنفّسون الهواء الملوث من دون حتّى التفكير في الضّرر الذي يُسببه ذلك للرئتين و لكوكب الأرض بشكل عامّ! أثبتت معظم الدّراسات التي أُجريت في هذا المجال أنّ ملوثات الهواء تُؤدّي إلى ارتفاع درجات حرارة الأرض و سوف يُسبّب تغييراً في الجوّ في الآتي! وفقاً لبيانات منظمّة الصّحة العالميّة، دخان السّيارات يُعدّ مصدراً أساسياً لتلوث الهواء بأنواع الموادّ المُضرة لسلامة الإنسان و للبيئة و يتمّ التخلّص منه باستخدام وسائل النّقل العامّة و فحص السّيارات في مراحل معيّنة للحفاظ على مقدار الدّخان الذي يخرج منها، و استخدام السّيارات الكهربائيّة!

أمّا إجراق الوقود التي تُستخرج من باطن الأرض كالنّفط، فيُنشّر ملوثات عديدة في الغلاف الجوّي و يُسبّب ظاهرة الأمطار الحمضية، و كذلك الدّزات الصّغيرة التي تُنتجها حركة السّيارات، يؤدّي إلى إيجاد غبار في الجوّ ممّا يُعدّ مصدراً آخر لتلوث الهواء! و أخيراً الصّناعة في مجالاتها المتنوّعة تُعدّ من مصادر تلوث الهواء أيضاً!



- ١ صعود درجة حرارة الأرض يجعل حياة الانسان في خطرٍ في الحال و الآتي.
- ٢ الغبار و الغازات السامة المضرّة التي تُنتجها حركة السيّارات.
- ٣ النفايات الصناعيّة التي تُلوّث البيئة و يتلوّث الجوُّ باحتراقها.
- ٤ اهتمامُ المنظّمات العالمية بموضوع تلوث الجو.

سراسري-انسانی-١٤٠٣ اردیبهشت

- ١ تضرّ الغازاتُ الملوّثةُ رئةَ الإنسان و الحيوانات الأخرى فقط!
- ٢ يشمل ضررُ الموادّ الملوّثة سلامةَ البيئة و مَنْ يعيش فيها!
- ٣ من عوامل تلوث الجوّ هي المصافي و محطّات إنتاج الغاز.
- ٤ عدّة قليلة من الناس تلتفت إلى أهمية الهواء الذي تتنفس فيه!

سراسري-انسانی-١٤٠٣ اردیبهشت

- ١ طبخ الخبز و الطعام بإحراق الخشب.
- ٢ استخدام البنزين لحركة السيّارات.
- ٣ الألواح الشمسية المثبتة فوق المنازل.
- ٤ إنارة المدن بواسطة محطّات إنتاج الكهرباء.

سراسري-انسانی-١٤٠٣ اردیبهشت

«يتنفسون - أثبت - كبرى - الملوّث»:

- ١ الملوّث: اسم - مفرد مذكر - اسم مفعول (مصدره: تلوّث) - معرّف بأل / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «الهواء»
- ٢ كبرى: اسم - مفرد مؤنث - اسم تفضيل (مذكره: أكبر) - نكرة - معرب / صفة أو نعت و تابع لموصوفه «مشكلة»
- ٣ أثبت: فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - معلوم / فعل و فاعله «معظم» و الجملة فعلية
- ٤ يتنفسون: فعل مضارع - للجمع الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعل و مفعوله «الهواء»

سراسري-انسانی-١٤٠٣ اردیبهشت

«يُسبّب - ينشر - إحراق - المتنوعة»:

- ١ المتنوعة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تنوّع) - معرّف بأل - معرب / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «مجاللات»
- ٢ يسبّب: فعل مضارع - للمذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّد / فعل و مفعوله «تغييراً»
- ٣ ينشر: مضارع - للمذكر الغائب - مجرد ثلاثي - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ٤ إحراق: اسم - مفرد مذكر - مصدر (من باب إفعال) - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

سراسري-انسانی-١٤٠٣ اردیبهشت

«شهروند با فهم نسبت به نظافت محیطزیست شدیداً اهتمام می‌ورزد!». عین‌الصحيح:

- ۱) یهتّم کلّ المواطنين بنظافة البيئة اهتماماً كثيراً!
- ۲) یهتّم المواطنُ الفهيم بنظافة البيئة اهتماماً بالغاً!
- ۳) المواطن ذو اهتمام كثير بنظافة البيئة إذا كان فهيماً!
- ۴) کلّ المواطنين یهتّمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

عین‌الصحيح:

- ۱) إن كانت المكيّفات تشغل لما شَعَرنا بحرارة الجوِّ إلّا قليلاً: اگر کولرها کار نکنند ما فقط کمی از گرمای هوا را احساس می‌کنیم!
- ۲) ما أكثر ارتفاع هذا الجبل، أريد أن أصدّ منه و لو أصبح تعباً: این کوه بلند نیست، می‌خواهم از آن بالا بروم اگر چه خسته بشوم!
- ۳) إنّما عليك أن تخاف من وقوع الحوادث حين لا تتنصّح أخطأوك: زمانی‌که خطاها تو را پند ندهند باید از وقوع حوادث بترسی!
- ۴) لا مَعْلَمٌ للحصول على أحسن الطرق إلّا العلم: هیچ نشانه‌ای برای دستیابی بر بهترین راه‌ها جز دانش وجود ندارد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

«لأُبْعِثُنِي فِي دُرُوسِي إِلَّا مَنْ يُحِبُّنِي حُبًّا، وَ هُوَ صَدِيقِي الَّذِي تَقَدَّمَهُ فِي الدُّرُوسِ أَكْثَرُ مِنِّي، وَ تَقَدَّمِي الدِّرَاسِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَرْتَبِطُ بِسَمَاعَدَتِهِ!»:

- ۱) حتماً مرا در درسهایم کمک می‌کند کسی‌که واقعاً مرا دوست دارد، کسی‌که در درس از من پیشرفته‌تر است، و او دوست من است و پیشرفت درسی من امسال به یاریش وابسته است!
- ۲) مرا در درسهایم یاری نمی‌رساند جز کسی‌که حقیقتاً به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و این سالی است که پیشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
- ۳) فقط کسی‌که مرا واقعاً دوست دارد در درس‌هایم حتماً به من کمک می‌کند، و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در این سال ارتقاء تحصیلی من به یاری او وابسته است!
- ۴) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد مرا در درسهایم یاری می‌کند، و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است، و امسال پیشرفت تحصیلی من به کمک او بستگی دارد!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

«هؤلاء المُواطنون أصحاب همّة عالية، لا يخافون وقوع الحوادث، بل يُديرونها عندما تقع إدارة تُفيد الناس»:

- ۱) این هموطنان دارای همتی عالی هستند، از وقوع حوادث نمی‌هراسند، بلکه وقتی رخ می‌دهند آنها را چنان اداره می‌کنند که به مردم سود برساند!
- ۲) این شهروندان همتی عالی دارند، از وقوع حادثه‌ها نمی‌هراسند بلکه هنگامیکه اتفاق می‌افتد، طوری مدیریتش می‌کنند که مردم سود ببرند!
- ۳) اینها هموطنانی صاحب همت عالی هستند، از رخداد حوادث نمی‌ترسند بلکه زمان رخ دادن حوادث، بگونه‌ای مدیریتش می‌کنند که به مردم سود برسد!
- ۴) این شهروندان، قوی همت هستند، که از رخداد حادثه‌ها نمی‌ترسند بلکه وقتی حادثه رخ دهد، آنچنان اداره‌اش می‌کنند که مردم از آن سود ببرند!

سراسری-انسانی-۱۴۰۳ اردیبهشت

- ۱ ندعو ربنا في هذه الأيام دعاءً خفياً آمليين بالاستجابة!
- ۲ إشتهر صديقنا في العلم بين الناس ساعياً بسبب اختراعه الجديد!
- ۳ لا يخرج التلميذ من الصفّ جالساً إلّا بعد أن شاهدت واجباته!
- ۴ لماذا ننام في أوقات مفيدة من النهار غافلاً، و التّوم يسرق نجاحك!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱

- ۱ إنّ عدداً من البوماتٍ تسكنُ قُربَ المَزرعةِ فَتَهْجُمُ عَلَى الأفراخِ هُجوماً كبيراً و تأْكُلُها!
- ۲ تَنوُّعُ معالمِ إيران و استِقرار الوضعِ الأُمْنِيِّ فيها يُشجِّعُ السّائحينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْها!
- ۳ إنّ الإِمْتِحاناتِ تُساعدُ الطُّلابَ لِتَعْلُمِ دُرُوسِهِم، فَعليهم أن لا يخافوا مِنْها!
- ۴ تَسْتَطِيعُ الدّلائِلُ أَنْ تُرشدنا إِلَى مكانٍ سَقُوطِ طائِرةٍ أو مكانٍ غَرِقِ سفينةٍ!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱

- ۱ عندما كنتُ أبكي لوداع صديقي كانت دموعي كأنّها تُحدّثه: وقتی برای خداحافظی از دوستم گریه می‌کردم، گوئی اشکهایم با او حرف می‌زدند!
- ۲ قد خُلِقَ الإنسانُ خُزاً لکنّه دائماً أُسیرُ عاداتٍ خَلَقَها نَفْسُهُ: انسان را آزاد خلق کرده‌اند ولی او همیشه مجذوب و اسیر عادات‌هایی است که خود خلق می‌کند!
- ۳ هذا اللسانُ الصغيرُ قد يَقْتُلُ شخصاً طوله مترٌ و ثمانون سنتيمتراً: این زبانی کوچک است، ولی گاهی شخصی با قد یک متر و هشتاد سانتیمتر را می‌کشد!
- ۴ المرء الذي يرسم أهدافاً عاليةً لحياته يُشجّع نفسه للأعمال الكثيرة تشجيعاً: انسانی که هدفهای عالی برای زندگی ترسیم می‌کند خود را برای کارهای زیاد تشویق می‌نماید!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱

- ۱ إذا كان تقدّم الإنسان تقدّماً حقيقياً يحصل على الدّرجات العالية!
- ۲ لم نشاهد تقدّماً في مجال العلوم العديدة إلّا تقدّم العلماء الدّوّوبين!
- ۳ تقدّم الطّلابُ في دروسهم تقدّماً كان ثمرةً محاولتهم الكثيرة!
- ۴ يتقدّم كلُّ الشّعوب تقدّماً إن يَستفيدوا من الفرص الدّهبيّة!

سراسری-انسانی-دی ۱۴۰۱

«إِنَّمَا أَتَقَى الْمُؤْمِنِينَ هُمْ الَّذِينَ يَتَعَامَلُونَ مَعَ النَّاسِ تَعَامُلاً يُرْضِي اللَّهَ، لِأَنَّ التَّقْوَى لَا تَتَجَلَّى إِلَّا فِي الْأُمُورِ الْجَارِيَةِ وَ لَيْسَتْ أَمْرًا مَكْتُومًا فِي الْقُلُوبِ!»: پرهیزگارترین مؤمنان ..... ، عین الصحیح لجواب الترجمة:

- ۱ آنانی هستند که با مردم فقط با خشنود ساختن خدا معامله می‌کنند، زیرا تقوی در کارهای جاری متجلی می‌شود و امری پنهان در قلبها نیست!
- ۲ تنها آنانند که با مردم به شکلی که خداوند رضایت می‌دهد رفتار می‌کنند، زیرا تقوی در امور جاری ظاهر می‌شود و یک موضوع پنهان در درون قلبها نیست!
- ۳ فقط کسانی هستند که با مردم معامله‌ای می‌کنند که خدا را خشنود سازد، زیرا تقوی فقط در امور جاری آشکار می‌شود و مسأله‌ای پنهان در دلها نیست!
- ۴ کسانی هستند که تنها به گونه‌ای که خدا رضایت می‌دهد با مردم رفتار می‌کنند، زیرا تقوی فقط در مسائل جاری نمایان می‌شود و یک مسأله پنهان در درون دلها نیست!

سراسری-انسانی-دی ۱۴۰۱

## ۵۲ عین الخطأ:

- ۱ أولاد؛ الأمطار لا تُصبح حمضية إلا بتلوث الهواء: فرزندانم؛ بارانها فقط با آلودگی هوا اسیدی می‌شوند!
- ۲ أولاد؛ الاختلال في الطبيعة يؤدي إلى تخریبها، و هذا خطر: فرزندان؛ اختلال در طبیعت منجر به تخریب آن می‌شود، و این خطر است!
- ۳ أولاد؛ لا تهددوا نظام الطبيعة بكثرة استخدام الأسمدة الكيماوية: فرزندان؛ نظام طبیعت را با زیاد بکار بردن کودهای شیمیایی تهدید نکنید!
- ۴ أولاد؛ إن تكونوا خبيرين تجدوا روابط متداخلة بين الكائنات الحية: فرزندان من؛ اگر آگاه باشید می‌فهمید که روابط بین موجودات زنده پیچیده است!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

## ۵۳ عین الصحیح:

- ۱ نَسألُ اللهَ أنْ يُعطينا ما يُحِبُّه: از خدا می‌خواهیم که آنچه را دوست داریم به ما بدهد!
- ۲ لا يَرى الْمُتَقَاتِلُ المِصاعِبَ إِلَّا فُرْصاً جَيِّدةً فِي الحَيَاةِ: خوش‌بین سختیها را جز فرصتهایی نیکو در زندگی نمی‌بیند!
- ۳ مَنْ يَطْلُبُ حَيَاةً هَادِئَةً يَتَعَايشُ مَعَ الْآخَرِينَ تَعَايشاً: هرکس به دنبال آرامش در زندگی است با دیگران همزیستی می‌کند!
- ۴ بَحْثُ عِدَّةٍ مِنَ الْبَاحِثِينَ عَنْ حَيَاةِ الدَّلَافِينَ مُتَعَجِّبِينَ مِنْ مُسَاعَدَتِهَا لِلْإِنْسَانِ: تعدادی از پژوهشگران درباره زندگی دلفینها تحقیق کردند و از کمک انسان به آنها حیرت‌زده شدند!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

«ما أَجْمَلُ تَوَازُنِ الطَّبِيعَةِ، وَ أَجْمَلُ مِنْهُ هُوَ أَنْ نَسْعَى كُلُّنَا أَنْ نَمْنَعَ تَعَدِّي الظَّالِمِينَ عَلَى نِظَامِ الْعَالَمِ وَ مَا فِيهِ مِنْ أَجَلٍ مَنفَعَتِهِمْ!»: چه زیباست ..... ، عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ توازن طبیعت، و زیباتر تلاش ماست و اینکه همه ما در برابر ستم منفعت طلبانه ظالمان بر نظم موجود در عالم و هر چه در آن است، بایستیم!
- ۲ تعادل در طبیعت، و از آن زیباتر تلاش همگی ماست تا جلو ستمگری ستمکاران را در نظام عالم و هرچه در آن است برای نفع شخصی خویش، بگیریم!
- ۳ توازن طبیعت، و از آن زیباتر است که ما همگی تلاش کنیم برای منفعت خویش مانع ستمکاری ظالمان در نظام موجود در جهان و آنچه در آن است شویم!
- ۴ تعادل طبیعت، و زیباتر از آن این است که ما همگی تلاش کنیم از دست‌درازی ستمگران بخاطر سود خودشان بر نظام جهان و آنچه در آن است، جلوگیری کنیم!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لَا دَاءَ فِي الطَّبِيعَةِ إِلَّا وَ هُوَ مُؤَلِّمٌ وَلَكِنْ لَهُ دَوَاءٌ، وَالْدَوَاءُ هُوَ أَنَّنَا نَسْمَحُ لِكُلِّ مَوْجُودٍ أَنْ يَفْعَلَ بِأَعْمَالِهِ خُلُقَ لَهَا!»:

- ۱ مرضی در طبیعت وجود ندارد جز اینکه دردناک باشد لکن برایش دارویی است، و آن این است که اجازه دهیم موجودات همگی اقدام به کارهایی کنند که برای آن آفریده شده‌اند!
- ۲ هیچ بیماری در طبیعت نیست مگر اینکه دردناک است ولی درمانی دارد، و آن درمان اینست که ما به هر موجودی اجازه می‌دهیم به کارهایی بپردازد که برایش خلق شده!
- ۳ در طبیعت بیماری نیست که درد نداشته باشد ولی آن دوايي دارد، و دواي آن این است که به همه موجودات اجازه کارهایی را دهیم که برایش آفریده شده‌اند!
- ۴ هیچ مرضی در طبیعت بدون درد نیست إلا اینکه درمانی دارد، و آن درمان اجازه دادن به هر وجودی است که بتواند به کارهایی بپردازد که برای او خلق شده!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عَيْنَ الْخَطِأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ۱ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!
- ۲ فِي إِيْرَانِ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ، بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْعِ!
- ۳ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فَتِيَّةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا!
- ۴ تَسْتَطِيعُ الْجِرَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عَيْنَ الْخَطِأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ۱ إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيْبَةَ.
- ۲ لِسَانُ الْقِطِّ سَلَاحٌ طَبِئٌ لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ تَفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ۳ قَرَّرَ الْمُزَارِعُ الْحِفَافَ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ السَّمَاحِ لِلْبُومَاتِ بِدُخُولِ مَزْرَعَتِهِ.
- ۴ كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَّ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ، وَ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا.

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

- ۱) تُؤْتِينَا هَذِهِ الْأَشْجَارُ الْخَضِرُ بِسُنَّةٍ وَضَعَهَا اللَّهُ فِي الطَّبِيعَةِ، الثَّمَارَ اللَّذِيذَةَ: این درختان سرسبز با قانونی که خدا در طبیعت قرار داده، به ما میوه‌های لذیذ می‌دهد!
- ۲) يَزْدَادُ اسْتِهْلَاكُ الْبَنْزِينَ بِسَبَبِ ذَهَابِ الْعَائِلَاتِ لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ الْأُسْبُوعِيَّةِ: رفتن خانواده‌ها برای گذراندن تعطیلات آخر هفته سبب افزایش مصرف بنزین می‌شود!
- ۳) تُنْتِجُ بَعْضُ الْأَصْوَاءِ مِنْ تَحْوِيلِ الطَّاقَةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ إِلَى الطَّاقَةِ الصَّوْتِيَّةِ: بعضی نورها بر اثر تبدیل انرژی شیمیایی، انرژی نوری تولید می‌کنند!
- ۴) تَسْتَخْدِمُ الدَّلَافِيْنُ أَمْوَاجاً صَوْتِيَّةً لِلتَّعَرُّفِ عَلَى مَحَلِّ الْأَجْسَامِ: دلفین‌ها امواج صوتی را به کار می‌برند تا محل اجسام شناسایی شود!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

«كَانَ الْمَزَارِعُ يُرَاقِبُ أُمُورَ الْمَرْعَةِ مُرَاقِبَةً وَلَكِنَّ الْبُومَاتِ كَانَتْ تَتَغَذَّى عَلَى الْأَفْرَاحِ، وَ هَذِهِ سُنَّةُ الطَّبِيعَةِ!»:

- ۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه‌ی جغدها از جوجه‌ها انجام می‌گرفت، و این قانون طبیعت بود!
- ۲) مزرعه‌دار امور مزرعه را نگهبانی می‌کرد اما جغدها جوجه‌ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!
- ۳) مزرعه‌دار از کارهای مزرعه با دقت مراقب می‌کرد ولی جغدها جوجه‌ها را خورده بودند و این قانون طبیعت است!
- ۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی‌گمان مراقبت می‌کرد ولی جغدها از جوجه‌ها تغذیه می‌کردند، و این سنت طبیعت است!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

«مَا أَسْرَعَ تَلَوُّتَ الْهَوَاءِ فِي تَخْرِيْبِ بَيْتِنَا إِنْ لَمْ يَتَحَقَّقِ التَّوَازُنُ فِيهَا، فَهُوَ مَهْدَدٌ لِلْبَشَرِيَّةِ!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيْحَةِ:

- ۱) اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود چه‌قدر آلودگی هوا برای خراب شدن محیط زیست ما سریع، و برای بشریت چه‌قدر تهدیدکننده می‌باشد!
- ۲) آلودگی هوا در خراب کردن محیط زیست ما چه قدر سریع است اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود، و این امر تهدیدکننده‌ی بشریت است!
- ۳) برای خراب شدن محیط زیست ما آلودگی هوا بسیار سریع است و برای بشریت تهدیدکننده است، اگر تعادل در آن محقق نشود!
- ۴) آلودگی هوا برای خراب کردن محیط زیست ما سریع نیست اگر تعادل در آن محقق شود، وگرنه بشریت را تهدید می‌کند!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

- ۱) يُشَاهِدُ الْعَجَبُ بَيْنَ النَّاسِ مَشَاهِدَةً كَثِيرَةً،
- ۲) وَ هَذَا حِينَمَا يَعْمَلُ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ عَمَلًا يُعْجِبُهُ،
- ۳) أَوْ يَقُومُ بِعَمَلٍ سَيِّئٍ وَ يُرِيهِ إِرَاءَةً جَمِيلَةً،
- ۴) وَ الْأَفْضَلُ أَنْ يُؤْمِنَ بِرَبِّهِ وَ يَفْتَخِرَ افْتِخَارًا بِذَلِكَ!

سراسری-انسانی-۹۹

- ۱ عَذَّبَ اللَّهُ الْكَفَّارَ فِي الدُّنْيَا تَعْذِيبًا لَا يَنْسَوْنَ نَتِيجَةً سَوْءَ عَمَلِهِمْ!
- ۲ رَتَّلَ الْقَارِئُ الْقُرْآنَ أَمَامَ النَّاسِ تَرْتِيلًا اسْتَمَعَهُ الْحَضَارُ كُلُّهُمْ بِدَقَّةٍ!
- ۳ قَدَّمَ الشَّعْبُ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ فِي الْحَرْبِ تَقْدِيمًا اسْتَطَاعَ الاسْتِقَامَةَ أَمَامَ الْأَعْدَاءِ!
- ۴ عَلَى الطُّلَابِ أَنْ يَجْتَهِدُوا إِجْتِهَادًا وَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفُرْصِ فِي حَيَاتِهِمْ!

سراسری-انسانی-۹۹

- ۱ قد يذكر الإنسان ذكرياته القديمة و يفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می‌آورد و با آن‌ها خوشحال می‌شود!
- ۲ لا يتردد الوالد في شراء ما تحتاج إليه أُسْرَتُهُ: پدر در خریدن آن‌چه که خانواده‌اش به آن نیاز داشت، تردید نکرده است!
- ۳ هؤلاء كانوا يُعاملون الآخرين معاملةً حسنةً دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می‌کنند!
- ۴ ليت هذه التلميذة تُحِبَّ الدَّرَاسَةَ في تلك المدرسة: کاش این دانش‌آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

سراسری-انسانی-۹۹

تبادل المفردات بين اللّغات يؤثّر عليها تأثيراً يجعلها غنيّةً في الأسلوب و البيان! « عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ عوض کردن واژگان بین زبان‌ها بسیار اثرگذار است به گونه‌ای که آن‌ها را در اسلوب و بیان بی‌نیاز می‌سازد!
- ۲ در میان زبان‌ها عوض کردن واژه‌ها چنان تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌سازد!
- ۳ در میان زبان‌ها جابه‌جایی کلمات است که بر آن‌ها اثر می‌کند و آن‌ها را در اسلوب و بیان پُرثمر می‌گرداند!
- ۴ تبادل کلمات بین زبان‌ها به گونه‌ای بر آن‌ها اثر می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌گرداند!

سراسری-انسانی-۹۹

« لا فَرْحَ يَتَعَلَّمُ الطَّيْرَانِ إِلَّا أَنْ يَقْذِفَ نَفْسَهُ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ! » عین الترجمة الصحيحة:

- ۱ فقط جوجه‌ای پرواز کردن را یاد می‌گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!
- ۲ هیچ جوجه‌ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی‌آموزد!
- ۳ هر جوجه‌ای فقط زمانی پرواز را می‌آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!
- ۴ هیچ جوجه‌ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر این‌که خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

سراسری-انسانی-۹۹

- |  |   |
|--|---|
| ۱ خَيْرَنَا رَبُّنَا بِاخْتِيَارِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ! | ۲ قَبَّلَ الْأَبُّ الْعَادِلُ أَوْلَادَهُ وَ هُمْ يُقْبَلُونَ إِلَيْهِ! |
| ۳ يقضم الجرادُ الأوراقَ في فهم دائماً و سريعاً!                            | ۴ لا نُريدُ أَنْ نَعْصِيَ اللَّهَ فِي أَعْمَالِنَا عَصِياناً!           |

سراسری-انسانی-۹۸



عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:  
«قد بلغني أنّ رجلاً من فتية أهل البصرة دعاك إلى مأدبة فأُسْرعتَ إليها!»:

- ١ أُسْرعت: فعل ماضٍ - للمخاطبة - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدّد - مبني / فعلٌ و مع فاعله: جملةٌ فعلية
- ٢ فتية: اسم - مفرد مؤنّث - معرفة - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ من فتية، جار و مجرور و خبر لحرف «أنّ» المشبّة بالفعل
- ٣ مأدبة: اسم - مفرد مؤنّث - اسم مفعول (مأخوذ أو مشتق من فعل «أدب») - نكرة - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ إلى مأدبة: جار و مجرور
- ٤ بلغ: فعل ماضٍ - للغائب - مجرّد ثلاثي - معلوم - مبني / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية؛ و النون: حرف وقاية

سراسرى-انسانى-٩٨

عيّن المفعول المطلق:

- ١ يا ربّنا؛ شكراً على أنّك ألحقتني بالصّالحين!
- ٢ هؤلاء التّلاميذ أكثر من الآخرين شكراً لمعلّمهم!
- ٣ إنّ علينا شكراً للعلماء الذين يقفون حياتهم لتعليمنا!
- ٤ عندما مسّ الصّرّ و العُسر هذا المؤمن لم يعمل شيئاً إلّا شكراً!

سراسرى-انسانى-٩٨

- ۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. قد حاول العلماء ... محاولة (مفعول مطلق تأکیدی) ← دانشمندان واقعاً (حقیقتاً) تلاش کرده‌اند (حذف ۲ و ۴ - مفعول مطلق تأکیدی نباید با لفظ «بسیار» ترجمه شود) / حرف «و» در گزینه ۴ ترجمه نشده است / تلک ظواهر عجیبه: آنها پدیده‌های شگفت‌انگیزی هستند، آنها پدیده‌هایی شگفت‌انگیز هستند (حذف ۳ و ۴) / «حاول» فعل ماضی است نه مضارع (حذف ۲)
- ۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «مَشَاكِل» بر وزن «مَفَاعِل» و «مُشَاهَدَة» بر وزن «مُفَاعَلَة» صحیح‌اند.
- ۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ماه‌ها بعد: بعد شهر، بعد أشهر (حذف ۳ و ۴) / عبارات ابتدای گزینه‌های ۳ و ۴ به معنای «پس از چند ماه هستند.» / کشاورز: الفلاح، المزارع / در مزرعه: بالمزرعة، في داخل المزرعة (حذف ۲ و ۳) / در معرض خورده شدن قرار می‌گیرد: تتعرض للأكل (حذف ۳ و ۴)
- ۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:  
 ۲) انسان، آزاد خلق [آفریده] شده است ولی او ..... که خود خلق کرده است. [خُلِقَ: فعل ماضی مجهول - خَلَقَ: ماضی معلوم است نه مضارع]  
 ۳) این زبان کوچک گاهی شخصی را می‌کشد که طولش [قدش] یک متر و هشتاد سانتی‌متر است. [این زبانی کوچک است ← هذا، لسان صغیر]  
 ۴) انسانی که ..... برای زندگی خودش ترسیم می‌کند قطعاً [بی‌شک] خود را برای کارهای زیاد تشویق می‌نماید. [«تشجیعاً» مفعول مطلق تأکیدی است و باید با قید تأکیدی ترجمه شود].
- ۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نشاطاتنا الیومیة: فعالیت‌های روزانه‌مان [موصوف + مضاف‌الیه + صفت] (حذف ۱ و ۲ و ۴) / إلى الإختلال في .... : به اختلال در .... (حذف ۱ و ۴)  
 نکته: انرژی ← الطاقة / انرژی‌ها ← الطاقات
- ۶ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.  
 ۱) فریب، نیرنگ: آنچه که مخالف با راستگویی است.  
 ۲) سکوت: نیرومندترین سخن روبروی نادان است.  
 ۳) لال: کسی که نمی‌تواند صداها را بشنود ← الأصم.  
 ۴) دانش: بهترین داروی بدن‌درد یاران خرافات است.
- ۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:  
 ۲) ..... و قطعاً به آن ایمان داری [ایماناً، مفعول مطلق تأکیدی است پس نباید با لفظ «به شدت» ترجمه شود].  
 ۳) .... تردید نکن .... هرچند [اگرچه] تنها باشی.  
 ۴) گاهی، تنهایی بهتر از زندگی کردن برای کسب رضایت دیگران است. [«قد» قبل از فعل مضارع به معنای تأکیدی نیست بلکه معنای «گاهی، به ندرت» دارد].
- ۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «المفترس» با توجه به ترکیب «الحيوان المفترس»، به معنی «شکارچی» است، پس مفهوم انجام‌دهنده‌ی کار داشته و اسم فاعل است، بنابراین با کسره‌ی عین‌الفعل به صورت «المُفترس» صحیح است. هم‌چنین «ابتعاد» مصدر از باب افتعال و بر وزن «افتعال» است، پس باید به صورت «ابتعاد» حرکت‌گذاری شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «نستهلكُ»: مصرف می‌کنیم / «الأسمدة الكيماوية»: کودهای شیمیایی / «بكثره»: (صفت نیست؛ پس نباید به صورت صفت ترجمه شود) زیاد (رد گزینه‌ی ۳) / «و نحن نعلمُ»: (جمله‌ی حالیه) در حالی که می‌دانیم (رد سایر گزینه‌ها) / «استخدامها الكثير»: (ترکیب وصفی - اضافی) به کار بردن زیادشان (رد گزینه‌ی ۴) / «يؤدّي إلى»: به ... منجر می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «الاختلال»: (معرفه) اختلال (رد گزینه‌ی ۱) نکته‌ی مهم: جمله‌ی حالیه (و + مبتدا + خبر ...) معمولاً به صورت «در حالی که ...» ترجمه می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «بعض الطيور»: برخی پرندگان (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «عندما»: هنگامی که (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تشعرُ بـ...»: احساس ... می‌کنند (رد سایر گزینه‌ها) / «حوالها»: اطراف خود (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «تَلَجَأَ»: پناه می‌برند، متوسّل می‌شوند (رد سایر گزینه‌ها) / «الحيل الّتی»: چاره‌اندیشی‌هایی که (رد سایر گزینه‌ها) / «تُنقذُ»: نجات می‌دهد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «حياتها»: (مفعول و منصوب است؛ پس باید به صورت مفعول ترجمه شود) زندگی آن‌ها را، زندگی خود را، زندگی‌شان را (رد گزینه‌ی ۲) / «من الموت»: از مرگ

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «إن»: اگر، چنانچه / «يبخل»: بخل بورزد (رد سایر گزینه‌ها) / «فی تعلیم علمه»: در یاد دادن علمش / «لا يحزنك حُزنًا»: قطعاً نباید تو را ناراحت کند (رد سایر گزینه‌ها) («لا» از نوع نهی غایب است، پس به صورت «نبايد» ترجمه می‌شود، «حزنًا» هم مفعول مطلق تأکیدی است که به صورت قید تأکید (قطعاً، همانا، ...) ترجمه می‌شود) / «يضرُّ ... ضرراً أشدَّ»: ضرری بیش‌تر ... می‌زند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) («ضرراً» مفعول مطلق نوعی است که همراه با صفت آمده است. دقت کنید چون مفعول مطلق تأکیدی نیست، در این‌جا نیازی به قید تأکید (مسلماً، قطعاً) نداریم) / «ضررک»: ضرر تو (رد گزینه‌ی ۲)

نکته‌ی مهم: در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی، از قیده‌های تأکیدی نظیر «قطعاً، همانا، بی‌شک» استفاده می‌شود؛ اما همواره باید مراقب بود در ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی، نیازی به قید تأکید نیست.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لا فَرْقَ [لا، نفی جنس است]: هیچ فرقی نیست (حذف ۲ و ۳ و ۴) / الفأر [معرفه]: موش (حذف ۳ و ۴) / بطن، مفعول است نه فاعل. لِيُشْبِعَ بطنه: تا شکمش را سیر کند (حذف ۲ و ۴) / يصيد الفأر صيداً: مفعول مطلق تأکیدی حتماً موش بگیرد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ليس هناك عظمٌ: استخوانی نیست، استخوانی وجود ندارد (حذف ۴) / يَسْتَطِيعُ: می‌تواند (حذف ۲ و ۳) / استطاعةً [مفعول مطلق تأکیدی است و نباید با لفظ‌هایی مثل: «به‌خوبی، کاملاً، مثل» ترجمه شود]. (حذف ۲ و ۳ و ۴)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. النفايات الصناعيّة: پسماندهای صنعتی، زباله‌های صنعتی (حذف ۳ و ۴) / تُضَيِّعُ: از بین می‌برد (حذف ۳ و ۴) / البيئة: محیط زیست، طبیعت‌ها: طبیعت آن (حذف ۱ و ۳ و ۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مرحلةٍ من: مرحله‌ای از، یک مرحله از (حذف ۲) / تُنْفِقُ + ه [تُنْفِقُ]: مضارع اخباری و معلوم، ضمیر متصل «ه»: (مفعول): انفاق می‌کنی، انفاقش می‌کنی (حذف ۱ و ۲ و ۳) / لا تُرَضِي به: به آن راضی نباشی (حذف ۱ و ۳)

- (۱) حصولاً: مفعول مطلق نوعی، چون بعدش «کاملاً» [صفت] آمده است.  
 (۲) عمل: مفعول مطلق نوعی، چون بعدش «الدؤوبین» [مضاف‌الیه] آمده است.  
 (۳) رغبة: مفعول مطلق نوعی، چون بعدش «کثیرة» [صفت] آمده است.  
 (۴) احتیاجاً: مفعول مطلق تأکیدی است زیرا پس از آن صفت یا مضاف‌الیه نیامده است.

کان طالبٌ مؤدَّبٌ: دانش‌آموز مؤدبی بود / یستمع ..... إستماعاً: حتماً گوش می‌داد (حذف ۱ و ۲ و ۴)  
 مفعول مطلق تأکیدی

در یکی از ایستگاه‌ها «گاندی» با سایر سوارها در حالیکه عجله داشت به سوی قطار می‌دوید تا به قطار برسد. قطار شروع به حرکت کرد. از آنجا که گاندی عجله داشت که خودش را به حرکت قطار برساند، پس به سوی قطار [یک گام] پرشی کرد که امکان سوار شدنش را فراهم کرد. در این هنگام گاندی لبخندی زد زیرا دید آن پرش سبب شده بود بدون اینکه احساس کند یکی از کفش‌هایش بیرون قطار بیفتد. پس خیلی فکر نکرد و کفش دومش را از پا درآورد و آن را به سرعت پرتاب کرد تا نزدیک کفش اول قرار بگیرد. سواران از این کارش تعجب کردند و دلیل کارش را پرسیدند. پس ماهاتما گاندی گفت: هرگز نخواهم توانست آنچه از پایم افتاده را بازگردانم همانطور که ممکن نیست که از [لنگه کفش] دوم که پیشم مانده استفاده کنم. پس پرتابش کردم، شاید کسی آن دو را پیدا کند در نتیجه از آن دو با هم بهره ببرد.

طبق پاراگراف اول متن، گاندی هنگامی به سوی قطار پرید که به قطار نزدیک شده بود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. متن: چه زمانی؟ زمانی که در قطار ایستاد ← کفش دومش را پرتاب کرد. / إلی آین: به کجا؟ ← کفش دومش را به بیرون قطار پرتاب کرد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. طبق متن لنگه‌ی اول هنگام سوار شدن گاندی به قطار از پایش درآمد و لنگه‌ی دوم کفشش را خودش بعد از اینکه در قطار ایستاد به بیرون پرتاب کرد. پس اینکه گفته «جذایه: دو کفش» در یک‌جا پرتاب کرد، نادرست است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از آنجا که گفته گاندی با سرعت به سوی قطار می‌دوید و یک گام پرش کرد تا توانست سوار قطار شود، می‌فهمیم که او در سنّ پیری نبوده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. إبتسم: فعل ماضی - للغائب - مزید ثلاثی من باب افتعال و له حرفان زائدان - لازم - من مائة «ب - س - م» - مبنی - معلوم / فعل و فاعله «غاندي» و الجملة فعلية

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تَعَجَّبَ: فعل ماضی - للغائب - مزید ثلاثی من باب تفعّل و له حرفان زائدان - لازم - من مائة «ع - ج - ب» - مبنی - معلوم / فعل و فاعله «الزَّكَّاب» و الجملة فعلية

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قفزة: اسم - مفرد مؤنث - مصدر من فعل ثلاثی مجرّد - معرب - نكرة / مفعول مطلق لبيان نوع الفعل [نوعی] (مفعول مطلق نوعی است زیرا فعل «تمکن» پس از آن برایش در حکم جمله وصفیه است.)

«سقوط» صحیح است مفعول به برای فعل «سَبَّت» و منصوب [سبب شد افتادن یکی از کفش‌هایش را]

«يَتَأَمَّلُ» فعل مضارع مجزوم به حرف «لَمْ» جازمه و بر وزن «يَتَفَعَّلُ» از باب «تَفَعَّلُ» صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اِنْ: اگر، چنانچه / وجود داشته باشد، معنای مناسبی برای فعل «تَحَقَّقُ» نیست (حذف ۲) /  
فیها: در آن (حذف ۱ و ۲ و ۳)

گزینه‌ی ۱: دینامیت: ماده‌ای که کارهای انسان را در زمینه‌های مختلف دشوار کرده است. (طبیعتاً این گزاره نادرست است.)

گزینه‌ی ۲: با پشتکار: کسی که برای انجام عملش تلاش می‌کند و در زندگی‌اش احساس خستگی نمی‌نماید. (✓)

گزینه‌ی ۳: آلودگی هوا: آن از تهدیدکننده‌های نظام طبیعت است که منجر به اختلال می‌گردد. (✓)

گزینه‌ی ۴: کودها: ماده‌هایی شیمیایی یا طبیعی که برای تقویت خاک ضعیف و رشد گیاهان استفاده می‌شود. (✓)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «يُفَكِّرُ» بر وزن «يُفَعِّلُ» (مضارع باب «تفعیل») و «يُرَاقِبُ» بر وزن «يُفَاعِلُ» (مضارع باب «مفاعلة») صحیح‌اند. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: کتابخانه‌ی جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان است.

گزینه‌ی ۲: این جایزه در هر سال به کسی که به بشریت سود می‌رساند، داده می‌شود.

گزینه‌ی ۳: کشاورز شروع به اندیشیدن درباره‌ی آن و مراقبت از مزرعه کرد.

گزینه‌ی ۴: شنوایی دلفین ده برابر شنوایی انسان است.

الفیتامین الوحید الذی: تنها (یگانه) ویتامینی است که (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳) / یَشْدُ ... شَدّاً: سخت محکم می‌کند، به شدّت محکم می‌کند (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)

در گزینه‌ی پاسخ «مَتَأَمَّلَةً» حال مفرد و منصوب است. در سایر گزینه‌ها «حَقّاً - أَيْضاً - تَحَمُّلاً» مفعول مطلق هستند.

گزینه‌ی ۱: «إِعْطَاءً» مصدر فعل «أَعْطَى» و مفعول مطلق است.

گزینه‌ی ۲: «تَصَدِيقاً» مصدر فعل «يُصَدِّقُ» و مفعول مطلق است.

گزینه‌ی ۴: «عَرَساً» مصدر فعل «غَرَسَ» و مفعول مطلق است.

گزینه‌ی ۲: سخنانم («کلامی» مفرد است نه جمع) - به خوبی («استماعاً» مفعول مطلق تأکیدی است نه نوعی)

گزینه‌ی ۳: می‌خوانم («سَأَقْرَأُ» معادل آینده است نه مضارع اخباری)

گزینه‌ی ۴: عبرت‌ها («العبرة» مفرد است نه جمع) - «إِلَّا: فقط» در ترجمه لحاظ نشده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کلمات مهم: «هذان التوعان من السمک»: این دو نوع ماهی - «کلّ منهما»: هریک از آن‌ها - «یعیش»: زندگی می‌کند - «عیشة تُعجبنا»: به گونه‌ای که ما را متعجب می‌کند. خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: ماهیان («السمک» مفرد است نه جمع) - با یکدیگر (اضافی است).

گزینه ۳: این‌ها (هرگاه پس از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود نه جمع) - ماهیان (مانند گزینه ۲) - زندگی ای می‌کنند («عیشة» مفعول مطلق است و نباید در ترجمه به صورت مصدر ترجمه شود)

گزینه ۴: اینان (مانند گزینه ۳) - زندگی («یعیش» فعل است نه اسم) - ما را به تحسین وامی‌دارد (معادل «تُعجبنا» نیست)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کلمات مهم: «إهتّموا» توجّه کنید - «بنظافة بیئتکم»: به نظافت محیط زیست خود - «إهتماماً بالغاً»: بسیار زیاد - «حتّی تقلّ»: تا کم شود - «مهدّداتها»: تهدیدکنندگان آن

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بیش‌تر (معادل «إهتماماً بالغاً» نیست) - تهدیداتش (معادل «مهدّدات» نیست)

گزینه ۳: در تمیز کردن (معادل مناسبی برای «بنظافة» در این عبارت نیست) - بیش‌تر سعی کنید (معادل «إهتّموا ... إهتماماً بالغاً» نیست) - تهدیدات (مانند گزینه ۱)

گزینه ۴: سعی بسیار کنید (مانند گزینه ۳)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفعول مطلق: فعل + مصدر آن

گزینه ۲: امشی + مشیاً

گزینه ۳: تسخطنی + اسخاطا

گزینه ۴: اغلقت + اغلاقا

در نتیجه در گزینه ۱ مفعول مطلق نداریم. (دقّت کنید در گزینه پاسخ «إلزامٌ: مبتدا ..... إلزام خبر است زیرا هر دو اسم هستند و «إلزام» اوّل اصلاً فعل نیست که بخواهد مفعول مطلق بگیرد.)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مُشاکلَ خطا است و باید به صورت مُشاکلُ باشد. یعنی فتحه‌دار باشد. از آنجایی که مُشاکل جمع مکسر مشکل است باید فتحه بگیرد، و از آنجایی که نائب فاعل است باید به صورت مُشاکلُ باشد.

«در جهان امروز، آلودگی هوا بزرگترین مشکل به شمار می‌آید. و بسیاری از مردم در سمت و سوهای مختلف جهان، هوای آلوده‌ای را نفس می‌کشند آن هم بدون فکر کردن به زیانی که به ریه‌ها وارد می‌کند و زیانی که به طور عمومی برای سیاره زمین دارد. بزرگترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته ثابت نموده است که، آلوده‌کننده‌های هوا، به بالا رفتن درجه‌های هوای زمین منجر می‌شود و در آینده دلیل تغییر و دگرگونی در جو خواهد شد. براساس گفته‌های سازمان بهداشت جهانی، دود ماشین‌ها با انواع مواد زیان‌باری که برای سلامتی انسان و محیط زیست دارد، مصدري (منبعی) اساسی برای آلودگی هوا به شمار می‌رود و رهایی از آن با به کار گرفتن وسایل عمومی برای حمل و نقل و معاینه فنی ماشین‌ها در مراحل معینی نسبت به میزان دودی که از آنها خارج می‌شود و با به کار گرفتن ماشین‌های برقی امکان‌پذیر است.

اما سوزاندن سوخت‌هایی که مانند نفت از دل زمین استخراج می‌شوند، پس اینها آلوده‌کننده‌های متعددی را در پوشش جو پخش می‌کنند و سبب باران‌های اسیدی می‌شوند. به همین جهت ذرات کوچکی که حرکت ماشین‌ها آنها را تولید می‌کنند منجر به بوجود آمدن غباری در سطح جو می‌شوند که دلیل همان‌ها منبع دیگری برای آلودگی هوا به شمار می‌آیند. و به تازگی «صنعت» (فعالیت‌های صنعتی) در زمینه‌های گوناگون نیز از منابع آلودگی هوا به حساب می‌آیند.

در متن به نقش «صنعت» در آلودگی هوا اشاره شده است اما «زباله‌های صنعتی» و «آتش زدن آنها» در متن نیامده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «گازهای آلوده‌کننده فقط به ریه انسان و جانداران آسیب می‌رساند. که در این عبارت قید «فقط» جمله را نادرست کرده. زیرا در متن داشتیم «البيئة» یعنی تمام محیط زیست از آلودگی‌ها تأثیر منفی می‌گیرد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۱) نان و غذا پختن با آتش زدن چوب / ۲) بکار گرفتن بنزین برای حرکت کردن ماشین‌ها.  
۳) پنل‌های خورشیدی ثابت روی خانه‌ها / ۴) روشن کردن شهرها به واسطه ایستگاه‌های تولید برق.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. یتنفسون = ثلاثی مزید از باب تفاعل است نه تفعیل. پس خطا در این گزینه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. المتنوعه: اسم فاعل است نه اسم مفعول: خطا در این گزینه است.  
المتنوعه: اسم مفعول است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گزینه‌های ۱ و ۴ رد می‌شود چرا که «کل» به معنای «هر یا همه» است که اصلاً معادل آن در عبارت فارسی نیست. گزینه ۳ رد می‌شود زیرا «ذو اهتمام» یعنی «دارای توجه» و «إِذْ كَانَ فَهِيماً» یعنی «اگر فهمیده باشد» که این دو عبارت معادل درست فارسی «اهتمام می‌ورزد» نیستند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در گزینه ۱ «اگر کولرها کار نکنند جز (مگر) کمی از گرمی هوا را احساس نکنیم (نمی‌کنیم)»، چون ساختار جمله «حصر» ندارد نباید با «فقط» ترجمه شود: رد گزینه ۱

در گزینه ۲ «ما أكثر ارتفاع» جمله تعجبی است = این کوه چقدر بلند است: رد گزینه ۲

در گزینه ۳ «إنما» = فقط اصلاً معنا نشده است. (فقط باید زمانی از وقوع حوادث بررسی که خطاهایت تو را پند ندهند.)



گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عبارت «الا» = به معنای فقط در گزینه ۱ معنا نشده است: رد این گزینه / الدروس = درسها = رد گزینه ۲ / تقدمه = پیشرفتش = که در گزینه ۳ معنا نشده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. هولاء المواطنين: این هموطنان یا این شهروندان: رد گزینه ۳  
تفید الناس = به مردم سود برساند / الناس مفعول است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی مفعول‌ها:

گزینه ۱: رَبِّ: مفعول به برای فعل «نَدَعُو»، دعاء: مفعول مطلق نوعی — ۲ مفعول

گزینه ۲: ساعياً: حال مفرد است پس این گزینه مفعولی ندارد.

گزینه ۳: جالساً: حال مفرد است، واجبات: مفعول به برای فعل «شاهدتُ» — ۱ مفعول

گزینه ۴: غافلاً: حال مفرد است، نَجَاح: مفعول به برای فعل «يَسْرِقُ» — ۱ مفعول

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «إِمْتِحانات» مصدر و جمع بر وزن «إِفْتِعَالَات» صحیح است (مفردش «إِمْتِحَان» و فعل «تُسَاعِدُ» بر وزن «تُفَاعِلُ» (فعل مضارع از باب «مُفَاعِلَة») صحیح می‌باشد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه ۲: قَدْ خُلِقَ: خلق شده است، آفریده شده است / خَلَقَهَا نَفْسُهُ: خودش خلق کرده است.

گزینه ۳: هذا اللسان الصغير: این زبان کوچک / «ولی» اضافی است / شخصاً طولهُ متر و ...: شخصی که قدش [قامتش] یک متر و هشتاد سانتی‌متر است.

گزینه ۴: برای زندگی‌اش، برای زندگی خود / يُشَجِّع ... تَشْجِيعاً: قطعاً خودش را تشویق می‌نماید.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «تَقَدَّمَ»: مفعول مطلق نوعی و «كَانَ» جمله وصفیه می‌باشد. سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۱ تقدماً: خبر کان

در گزینه ۲: تقدماً: مفعول / تقدّم: مستثنی و منصوب

در گزینه ۴: تقدماً: مفعول مطلق تأکیدی

مفعول مطلق نوعی: بعد از مصدر منصوب باید صفت مفرد یا جمله وصفیه یا مضاف‌الیه بیاید.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. انّما: فقط، تنها / هم الذين يتعاملون: کسانی هستند که معامله می‌کنند (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴ - يُعاملون: رفتار می‌کنند) / يُرضى الله: خدا را خشنود می‌کند، خدا را خشنود می‌سازد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ - الله مفعول است) لانّ التقوى لا يتجلى الا في الامور الجارية: زیرا تقوی فقط در امور جاری نمایان می‌شود (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲ - حصر وجود دارد) / لیست أمراً مكتوماً في القلوب: مسأله‌ای پنهان در دلها نیست. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴ - «درون» اضافی است.)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «روابط مُتداخلة» یک ترکیب وصفی است و باید به صورت «روابطی پیچیده» ترجمه شود.

«بین موجودات زنده» به اشتباه در میان موصوف و صفت آورده شده است. ترجمه گزینه ۴: «فرزندان من، اگر آگاه

باشید روابطی پیچیده میان موجودات زنده می‌یابید!»

دقت کنید در گزینه‌های ۱ و ۴، «أولاد» در واقع همان «أولادی» (فرزندان من) بوده است که ضمیر «یاء» از انتهای آن حذف شده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لا یرى»: نمی بیند / «المُتفائل»: خوش بین / «المصاعب»: سختی ها / «إِلَّا فَرصاً جَيِّدةً»: جز فرصت‌هایی نیکو. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «يُحِبُّ» یک فعل مضارع غایب است که به اشتباه به صورت فعل متکلم ترجمه شده است. (يُحِبُّ: دوست دارد) گزینه ۳: «حياة هادئة» ترکیبی وصفی به معنای «زندگی آرام» است که نادرست ترجمه شده است. همچنین «تعايشاً» مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «یتعايش» است که باید به صورت قید تأکید (قطعاً، حتماً و ...) ترجمه شود. گزینه ۴: «مُتَعَجِّبين» حال است و باید به صورت «با تعجب، متعجب» ترجمه شود که به اشتباه به صورت یک فعل ترجمه شده است. [تعدادی ..... باتعجب از کمک آنها به انسان، تحقیق کردند.]

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «ما أَجَمَلَ توازن الطبيعة»: چه زیباست توازن طبیعت (رد گزینه ۲) (وزن «ما أَفَعَلَ ...» برای بیان تعجب می‌آید و به صورت «چه ... است، چقدر ... است» ترجمه می‌شود.) / «أَجْمَلُ منه»: زیباتر از آن (رد گزینه ۱) / «أَنْ نَسْعَى»: که تلاش کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أَنْ نَمْنَع»: جلوگیری کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تَعْدَى الظَّالِمِينَ»: (ترکیب اضافی) درست‌درازی ستمگران (رد سایر گزینه‌ها) / «نظام العالم»: (ترکیب اضافی) نظام جهان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «ما فيه»: آنچه در آن است (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «من أجل منفعتهم»: بخاطر سود خودشان (رد گزینه ۱)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لا داء في الطبيعة»: «(لا نفی جنس) هیچ بیماری در طبیعت نیست / «إِلَّا» مگر، جز (رد گزینه ۳) / «مُؤَلِّم»: در دناک (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لَه دواء»: دارویی دارد، درمانی دارد (رد گزینه ۱) / «الدواء»: آن دارو، آن درمان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) (دقت کنید «دواء» یک بار به صورت نکره و بار دوم به صورت معرفه همراه با «ال» تکرار شده است، پس بار دوم همراه با اسم اشاره «آن» ترجمه شده است.) / «نسمح»: اجازه می‌دهیم (رد گزینه ۱) / «كَلَّ موجود»: هر موجودی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) («كَلَّ» وقتی همراه با یک اسم مفرد نکره می‌آید، به صورت «هر» ترجمه می‌شود.) / «أَنْ يَقُومَ بِ...»: به ... بپردازد، به ... اقدام کند (رد گزینه ۳) / «أَعْمَال»: (اسم جمع و نکره) کارهایی / «خُلِقَ لها»: (جمله وصفیه به صورت فعل مجهول) که برایش خلق شده است (رد گزینه‌های ۱ و ۳) فعل «خُلِقَ» مفرد است و به «كَلَّ موجود» برمی‌گردد، بنابراین باید به صورت مفرد ترجمه شود.)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تَتَكَبَّرُ: (تَتَكَبَّرُ: باب تفعّل هیچ‌گاه حرکت حرف وسطش در ماضی و مضارع و امر کسره نمی‌گیرد بلکه فتحه است) / الأَخْرَيْنَ (الأَخْرَيْنَ: اسم تفضیل است به معنای دیگران)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. غلط‌ها ← سَلَاخ (سِلَاح) / مُطَهَّرًا (مُطَهَّرًا، اسم فاعل مزید ثلاثی از باب تفعیل). لازم به توضیح است که در گزینه‌ی ۳ (السَّماخ) که فتحه گرفته معطوف الحفاظ است نه الافراخ، پس صحیح حرکت‌گذاری شده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. غلط‌های گزینه‌ها:

۲) رفتن خانواده‌ها، آخر، سبب افزایش (مصرف بنزین به سبب رفتن خانواده‌ها ... افزایش می‌یابد.)  
۳) انرژی نوری تولید می‌کند (بعضی نورها از تبدیل انرژی شیمیایی به انرژی نوری تولید می‌شود.)  
۴) امواج صوتی (امواج صوتی) تا شناسایی شود. (برای شناسایی)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کان يُراقب (مراقبت می‌کرد) / المزارع (کشاورز) / أمور المزرعة (کارهای مزرعه) / مراقبة (با دقت: مفعول مطلق تأکیدی) / كانت تتغذى (تغذیه می‌کردند = برمی‌گردد به البومات که جمع غیرعاقله و فعلش مفرد مؤنث میاد اما در ترجمه، جمع ترجمه می‌شود) / الأفراخ (جوجه‌ها) / هذه سنة الطبيعة (این سنت طبیعت است). رد سایر گزینه‌ها:

- (۱) مراقب بود، تغذیه جغدها، انجام می‌گرفت، بود.
- (۲) با دقت (ذکر نشده) خورده بودند، بود.
- (۳) از، خورده بودند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ما أسرع: (چه قدر سریع است) / تلوّث الهواء (آلودگی هوا) / فی تخریب بیئتنا (در خراب کردن محیط زیست ما / إن لم يتحقّق التوازن فيها (اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود) / فهو مهدّد للبشریّة (و این امر تهدیدکننده بشریت است). رد سایر گزینه‌ها:

- (۱) خراب شدن، چه قدر تهدیدکننده می‌باشد.
- (۳) برای خراب شدن، آلودگی هوا بسیار سریع است.
- (۴) سریع نیست، محقق شود، وگرنه تهدید می‌کند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صورت سؤال به دنبال مفعول مطلق تأکیدی است که در گزینه‌ی ۴ است (یفتخر افتخاراً) سایر گزینه‌ها مفعول مطلق نوعی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

(۱) تعذیباً: مفعول مطلق نوعی است زیرا پس از آن جمله وصفیه «لاینسون» آمده / ۲) ترتیباً: مفعول مطلق نوعی است زیرا پس از آن جمله وصفیه «استمعه» آمده / ۳) تقدیماً: مفعول مطلق نوعی است زیرا پس از آن جمله وصفیه «إستطاع» آمده / ۴) اجتهاداً: مفعول مطلق تأکیدی است زیرا بعدش صفت یا مضاف‌الیه نیامده است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: قد یذكر: گاهی یاد می‌کند.

گزینه‌ی ۲: ما تحتاج الیه ...: آن‌چه به آن نیاز دارند.

گزینه‌ی ۳: كانوا یعاملون: رفتار می‌کردند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تبادل: تبادل - جابه‌جایی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / تأثیرا یجعلها: به گونه‌ای ... که ... (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

فرخ: جوجه (رد گزینه‌ی ۳) / أن یقذف: که بیندازد، پرتاب کند (رد گزینه‌ی ۲) / در گزینه‌ی ۱ «بتواند» اضافی است

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «عصیاناً» مصدر نکره و از جنس فعل «أن نعصي» است پس مفعول مطلق تأکیدی یا همان تأکید فعل است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱: لازم است نه متعدی

گزینه‌ی ۲: خبر «أنّ» فعل ماضی «دعا» است نه جار و مجرور

گزینه‌ی ۳: اسم مکان است نه اسم مفعول

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی پاسخ «شکراً» مفعول مطلق برای فعل محذوفِ «أشكُرُ» است. در سایر گزینه‌ها «شکراً» به‌ترتیب نقش «تمییز - اسمِ إنّ - مستثنای تامّ» دارد.

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴

۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴
۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴

۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴

